بنام مبیّن دانا

انشاء الله لم یزل و لا یزال از زلال سلسال معارف محبوب لا یزال بنوشی و بنوشانی کتابت لدی العرش حاضر و عین عنایت بآن ناظر طوبی لک بما ذکرت لدی العرش مرّة بعد مرّة و نزّل لک ما تفوح به رائحة الالطاف بدوام الملک و الملکوت آنچه الیوم لازم و بر آنجناب واجبست اینست که بخدمت حق قیام نمائی و منقطعا عن کلّ ما کان بتبلیغ امر مالک امکان مشغول شوی و رحیق مختوم که باصبع قیّوم مفتوح شده بر اهل عالم مبذول دارید رشحات وحی متتابعا مترادفا از اوراق سدرهٔ منتهی ترشّح میفرماید و بصورت کلمات در الواح آلهیّه ظاهر و باهر است طوبی لمن فاز بها و وجد عرفها و نطق بثناء موجدها و قام علی خدمة خالقها و بارئها اینکه از حجیّة کتاب سئوال نموده بودید حجیّة ما نزّل فی هذا الظّهور اظهر از آنست که بدلیل محتاج باشد دلیله نفسه و برهانه ذاته هر ذی شمّ منصفی عرفش را استنشاق نموده و مینماید ملاحظه نمائید در این ظهور کل عالمند که بمدارس نرفته و تحصیل علم ننموده و از بیت اهل علم هم ظاهر نشده و اکثر ایّام عمرش مبتلا و در سجنهای متعدّده مسجون بوده معذلک قلمش معین فرات علوم نا متناهی ربّانی گشته و اگر بدیدهٔ منزّه از رمد هوی مشاهده شود در هر قطرهٔ آن بحر علم و حکمترا موّاج بیند و همین قسم که علم حقّ محیط است همین قسم در سایر اسما و صفات حق ملاحظه نمائید و این آیات یک ظهور از ظهورات حق است اگر تفصیل اینمقامات ذکر شود این الواح کفایت ننماید اگر جمیع علمای ارض در حین نزول آیات حاضر باشند یقین بدانید که کل تصدیق مینمایند چه که مفّر و مهربی مشاهده نمینمایند الّا الله المتکلّم النّاطق السّمیع البصیر زود است که نفوذ کلمهٔ آلهی و احاطهٔ قدرتش را ملاحظه مینمائید اگر چه حال هم مشهود و واضحست مع آنکه در سجن بین ایدی غافلین بوده ظاهرا باهرا تصریحا من غیر تأویل از ملوک و مملوک کلرا بکمال اقتدار بشطر مختار دعوت فرموده و نظر بضعف عباد شأن این ظهور ذکر نشده الّا علی قدر مقدور ما قدّروا الله حقّ قدره و بعضی از ضعفاء چون بمقام بلند عرفان بتمامه فائز نشدهاند و بر عظمت آیات آلهیه مطّلع نگشتهاند اینست که بعضی کلمات ترکیب نموده و ادّعاهای باطله نمودهاند و

شأن حقرا منحصر بآن دانستهاند چنانچه نازل شده و منهم من ظنّ انّ الآیة تطلق علی کلمات تنتهی بالعلیم او بالحکیم او باتّصال الف فی آخرهما او بزیادة نون علی امثالهما و ظنّ انّها کلمات انزلها الرّحمن فی صدره لا و الله بل اوحی الشّیطان فی قلبه قد خسر الّذین کفروا بالبرهان و تجاهروا بالعصیان - انتهی - و اگر فی الحقیقه ناس طالب حق بودند و بحق عارف میشدند از جمیع عالم و عالمیان میگذشتند و بشطر رحمن توجّه مینمودند انشاء الله آنجناب باید در کلّ حین بخدمت امر مشغول باشند و ناسرا متذکّر دارند تأئیدات آلهیّه بوده و هست چنانچه مشاهده مینمائید بر حسب ظاهر مع آنکه در سجن ساکنست بذکر شما مشغول و این لوجه الله بوده و هست که شاید بخدمت امر قیام نمائید و گمگشتگان بادیهٔ ضلالت را بافق هدایت دلالت کنید و همین قسم تأئیدات باطنیّه را مشاهده نمائید که در کلّ حین متوجّه اولیاء بوده و خواهد بود اکثری از ناس رضیعند باید ایشانرا اوّلا بلبن حکمت و باغذیهٔ لطیفه تربیت نمود و بعد باغذیهٔ قویّه کذلک تقتضی الحکمة انّ ربّک لهو المربّی العلیم از قبل لوح امنع اقدس مخصوص آنجناب نازل و با این لوح ارسال میشود ان اطمئنّ بفضل مولیک انّه یذکرک کما ذکرک من قبل ان اجهد لاحیاء الاموات بهذا الماء الّذی جعله الله علّة حیوة العالمین قل ان الحمد لله ربّ العالمین نفوسیکه در کتاب آنجناب مذکور بود کل بذکر الله فائزند بشّرهم بذکرنا ایّاهم و کبّر علی وجوههم لیفرحنّ بتکبیر ربّهم العلیّ الغالب المقتدر القدیر انّما البهاء علیک و علیهم و علی الّذین فازوا بهذا النّبأ العظیم .